



قضایا

قضایا یکی از اصطلاحات به‌کار رفته در علم منطق بوده و به‌معنای **مرکب تام** قابل صدق و کذب است.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف و اقسام قضیه
- ۲ - مستندات مقاله
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

تعریف و اقسام قضیه

هر قولی که مشتمل بر اثبات یا نفی خبری باشد، و بر خلاف انشاء، قابل تصدیق و تکذیب باشد، قضیه نامیده می‌شود.

[۱] مشکوٰه‌الدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر الملعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۲۴۶-۲۵۴.

علامه حلی در تعریف قضیه می‌گوید: قضیه، قولی است مرکب که در آن حکم شده باشد به صدق جزء دوم بر همان چیزی که جزء اول بر آن صدق می‌کند (صورت اول)، یا به تبعیت و مصاحبت جزء دوم نسبت به جزء اول (صورت دوم)، یا به معانندت و تباین جزء دوم با جزء اول (صورت سوم)، و یا به سلب (اتحاد، تابعیت و تباین) جزء دوم از جزء اول (صورت چهارم).

[۲] علامه حلی، حسن بن یوسف، الجوهر النضید، ص ۳۸.

صورت اول را **قضیه حملیه**، و صورت دوم را **قضیه شرطیه متصله**، و صورت سوم را **قضیه شرطیه منفصله** می‌گویند.

[۳] مشکوٰه‌الدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر الملعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۵۷-۵۸.

مثال صورت اول (قضیه حملیه): "انسان حیوان است" که جزء اول "محرک علیّه"، و جزء دوم "محرک به" است، و نیز مشتمل بر جزء دیگری است که "رابطه" نام دارد. لکن دو جزء اول جزء مادی هستند و رابطه، جزء صوری است که گاهی ذکر و گاهی حذف می‌شود.

مثال صورت دوم (قضیه شرطیه متصله): "اگر خورشید طلوع کرده باشد روز موجود است" که به مصاحبت و تبعیت وجود روز نسبت به طلوع خورشید حکم شده است.

مثال صورت سوم (قضیه شرطیه منفصله): "عدد یا زوج است یا فرد" که به مباحثت و تعاند جزء اول با جزء دوم حکم کرده‌ایم.

مثال صورت چهارم: "چنین نیست که انسان حیوان است" و "چنین نیست که با فرد" که به مباحثت و تعاند جزء اول با جزء دوم حکم کرده‌ایم.

علاوه بر اجزای مادی (محرک علیّه و محرک به) و صوری (رابطه) که اجزای ذاتی قضیه هستند و هر قضیه‌ای خالی از آنها نیست، اجزای دیگری نیز در قضیه هست که مقتضای ذات قضیه نیست مانند **ادات سلب و جیت**، که در بعضی از قضایا ذکر می‌شوند و در بعضی دیگر ذکر نمی‌شوند. در کتب‌های منطقی از نام‌های دیگری هم برای قضیه استفاده شده مثل: اخبار، خبر، حکم و قول جازم.

[۴] خواجه نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اسلس الاقبلس، ص ۶۵-۶۶.

[۵] ابوالحسن سالاری، بهمنیار بن مرزبان، التحصیل، ص ۴۴.

[۶] مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۵۳.

[۷] مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد، ص ۱۴۹-۱۵۶.

[۸] خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی، ص ۱۸۵-۱۸۶.

[۹] شهاب‌الدین سهروردی، یحیی بن حبش، منطق التلویحلت، ص ۴۶.

مستندات مقاله

در تنظیم این مقاله از منابع ذیل استفاده شده است:

- ابوالحسن سالاری، بهمنیار بن مرزبان، التحصیل.
- مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد.
- خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی.
- شهاب‌الدین سهروردی، یحیی بن حبش، منطق التلویحلت.

- مظفر، مجذبا، المنطق.
- علامه حلې، حسن بن يوسف، الجوهر النضيد.
- خواجه نصير الدين طوسي، مجد بن مجد، اسس الاقتباس.
- مشكو الدين، عبدالمحسن، منطق نوين مشتمل بر اللغات المشرقيه في الفنون المنطقية.

پاڻويس

۱. ↑ مشكو الدين، عبدالمحسن، منطق نوين مشتمل بر اللغات المشرقيه في الفنون المنطقية، ص ۲۴۶-۲۵۴.
۲. ↑ علامه حلې، حسن بن يوسف، الجوهر النضيد، ص ۳۸.
۳. ↑ مشكو الدين، عبدالمحسن، منطق نوين مشتمل بر اللغات المشرقيه في الفنون المنطقية، ص ۵۷-۵۸.
۴. ↑ خواجه نصير الدين طوسي، مجد بن مجد، اسس الاقتباس، ص ۶۵-۶۶.
۵. ↑ ابوالحسن سالاري، بهمنيار بن مرزبان، التحصيل، ص ۴۴.
۶. ↑ مظفر، مجذبا، المنطق، ص ۱۵۳.
۷. ↑ مجتهد خراساني (شهابي)، محمود، رهبر خرد، ص ۱۴۹-۱۵۶.
۸. ↑ خوانساري، مجد، فرهنگ اصطلاحات منطقي، ص ۱۸۵-۱۸۶.
۹. ↑ شهابالدين سهروردي، يحيى بن حبش، منطق التلويحات، ص ۴۶.

منبع

پاڻگاه مدير بيت اطلاعات علوم اسلامي، برگرفته از مقاله «قضاي»، تاريخ باز يابي ۱۶/۳/۱۳۹۶.